



انقلاب تألیفی

◇ حسین فتاحی

بعد از آن، کسانی به این فکر افتادند که برای بچه‌ها هم خواندنی‌هایی منتشر کنند. مجلاتی خاص بچه‌ها، با فرم، تصاویر و نثر خاص بچه‌ها، ولی از آنجا که متخصصان کار کشته در زمینه‌های مختلف این کار وجود نداشت، اغلب به کپی برداری و ترجمه کارهای خارجی روی آوردند. اگر به اولین مجلات خاص کودکان و نوجوانان آن زمان نگاه کنیم، می‌بینیم که هم متن و هم تصاویر، برگرفته از مجلات و کتاب‌های خارجی است.

این پدیده در مورد کتاب‌های خاص کودکان هم صدق می‌کند. بهترین کتاب‌های مرکزی تخصصی مثل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در دهه‌های سی و چهل و پنجاه، کتاب‌هایی است که از زبان‌های دیگر ترجمه شده‌اند. در میان آن همه ترجمه خوب، شاید به تعداد انگشتان دست، کتاب تألیفی مناسب وجود نداشته باشد.

آمار رسمی کتاب‌های منتشر شده در سال‌های ۴۶ تا ۵۶، چیزی حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد تألیف در برابر ۸۰ تا ۸۵ درصد ترجمه است. تازه در میان این تعداد اندک، بسیاری نیز بازنویسی متون کهن است، بسیاری بازسازی افسانه‌ها و بسیاری تقلید داستان‌های ترجمه است؛ بدون یافت داستانی خوب و بدون ویژگی‌های فرهنگ ایرانی و... به

۱. برای پاسخ دقیق و درست و تحلیل منطقی ادبیات در دو دهه اخیر، لازم است که آمار و اطلاعات درستی در اختیار پاسخ دهنده باشد یا حداقل، کتابخانه‌ای باشد که در آن یک جلد از همه کتاب‌هایی که در این دو دهه منتشر شده است، وجود داشته باشد تا با مطالعه آنها بتوان تحلیل درستی ارائه کرد. حتی لازم است برای بررسی پیشینه و سابقه تاریخی ادبیات کودک و نوجوان، نگاهی به کتاب‌های پیش از انقلاب هم بیندازیم تا بتوانیم این مرحله گذار را به درستی بررسی کنیم. متأسفانه، چنین مرکزی وجود ندارد و دسترسی به همه کتاب‌های منتشره در این دو دهه و دهه‌های پیش از انقلاب نا ممکن به نظر می‌رسد. نتیجه اینکه بررسی ما با توجه به آمار و اطلاعات، کلی خواهد بود.

ادبیات کودک و نوجوان، به معنی امروزی آن، پدیده جدیدی است و در دنیا چیزی حدود صد سال و در کشور ما حدود پنجاه سال و شاید هم کمتر سابقه دارد. البته باید اشاره کنیم که در ادبیات ما، خواندنی‌های زیادی برای کودکان و نوجوانان وجود داشته است، اما منظور ما آن نوع ادبیاتی است که با ویژگی‌های امروزی آن مطابقت داشته باشد. در کشور ما شاید در حدود سال‌های سی و

◇ با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۵۷، فرهنگ و باورهای اجتماعی به گونه‌ای تغییر کرد که دیگر جایی برای ترجمه آثار ضعیف نبود.

◇ اگر به کتاب‌های منتشر شده در سال‌های ۶۰ تا ۷۰ نگاه کنیم، رشد فزاینده این حرکت را به خوبی می‌بینیم؛ چرا که مهمترین عناصر لازم و ضروری برای داستان، یعنی حس تجربه شده و تجربه عملی و حادثه نو و جذاب، در این کارها فراوان یافت می‌شود.

پدید آورده بود، باعث شد که بعد از سه چهار سال، ما با نوع خاصی از ادبیات کودک و نوجوان مواجه شدیم. اگر به کتاب‌های منتشر شده در سال‌های ۶۰ تا ۷۰ نگاه کنیم، رشد فزاینده این حرکت را به خوبی می‌بینیم؛ چرا که مهمترین عناصر لازم و ضروری برای داستان، یعنی حس تجربه شده و تجربه عملی و حادثه نو و جذاب، در این کارها فراوان یافت می‌شود.

می‌توان گفت که هم انقلاب، شانس آورد و هم جوان‌هایی که وارد این عرصه شدند. انقلاب از آن جهت که توانست گوشه‌ای از کمبودهایش را جبران کند و جوان‌ها هم از آن نظر که میدان آزمایشی پیدا کردند تا حرف‌هایشان را بزنند.

نکته جالب اینکه در همین دهه ۶۰ نسبت کارهای ترجمه و تألیف، درست عکس این نسبت در قبل از انقلاب است. ترجمه که در قبل از انقلاب جایگاه ۸۰ درصدی داشت، جایش را به تألیف ۲۰ درصدی داد و این مهمترین نقطه عطف دهه ۶۰ است.

۲. فکر می‌کنم مهمترین مشکل ادبیات کودک و نوجوان در دو دهه ۶۰ و ۷۰ که آن را با بحرانی جدی مواجه کرده، تیراژ پایین کتاب است. جمعیت جوان کشور ما و وجود چیزی حدود ۲۰ میلیون مخاطب در گروه سنی کودک و نوجوان از یک طرف و نیز از حدود ۱۰ هزار جلد و حتی کمتر، چیزی

همین دلیل است که می‌بینیم در بین همه کارهای تألیفی سال‌های پیش از انقلاب، مجموعه‌هایی مثل قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، کارهای آذر یزدی و داستان راستان، کار شهید مطهری هم مورد توجه بسیار قرار می‌گیرند و هم به چاپ‌های متعددی می‌رسند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۵۷، فرهنگ و باورهای اجتماعی به گونه‌ای تغییر کرد که دیگر جایی برای ترجمه آثار ضعیف نبود. ناگهان آن حجم ۸۰ درصدی رها شد و دیگر امکان چاپ‌شان وجود نداشت. از طرف دیگر، جوانانی که در جریان انقلاب، حوادث و تجربیات متنوع و عمیقی را تجربه کرده و از حس‌ها و باورهای تازه و بکری سرشار بودند، دل‌شان می‌خواست حرف‌هایشان را بزنند. آن حس‌های تجربه شده را بازگو کنند آن تجربه‌های گران‌بها را برای کوچکترها بنویسند. این است که می‌بینیم آن حجم ۸۰ درصدی که جایش خالی شده بود، به وسیله همین جوان‌ها پر می‌شود؛ آن هم با زبان و فرهنگ ایرانی و با دنیایی شیرین و جذاب. کارهای این دوره، اگر چه از نظر تکنیکی، ضعف‌های جدی دارد، به سبب همان حس‌های ناب و آن ماجراهای جذاب، جای خود را در بازار کتاب باز کرد.

نکته دیگر اینکه همان روحیه انقلابی و خود باوری که انقلاب در وجود همه و خصوصاً جوان‌ها

◇ ترجمه که در قبل از انقلاب جایگاه ۸۰ درصدی داشت، جایش را به تألیف ۲۰ درصدی داد و این مهمترین نقطه عطف دهه ۶۰ است.

◇ فکر می‌کنم مهمترین مشکل ادبیات کودک و نوجوان در دودهه ۶۰ و ۷۰ که آن را با بحرانی جدی مواجه کرده، تیراژ پایین کتاب است.

طریق چاپ آثارشان وضعیت اقتصادی خود را سروسامان دهند. حال اگر چاپ یک کتاب، زندگی نویسنده را تأمین کند، فرض می‌کنیم که او یک سال هنری خود را صرف این کار می‌کند، ولی اگر همین نویسنده مجبور شود، این یک سال را صرف ۲ یا ۳ کار کند، طبیعی است که کیفیت کار پایین بیاید. این‌جاست که رابطه متقابل نویسنده و مخاطب، جدی می‌شود. تیراژ بالاتر، باعث بالا رفتن کیفیت می‌شود و کیفیت بالاتر، سبب رغبت بیشتر خواننده به کتاب و مطالعه.

۴. من موافق پرداخت یارانه نیستم، اما فکر می‌کنم یکی از راه‌های بالا رفتن تیراژ، وجود تعداد زیادی کتابخانه است. در جایی خواندم که یکی از کشورهای مشترک‌المنافع شوروی سابق که جمعیتی بیش از ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر دارد، چیزی حدود ۱۵ هزار کتابخانه عمومی دارد. حالا اگر این نسبت را در کشور خودمان در نظر بگیریم، علی‌القاعده باید حدود ۱۰ برابر آنها کتابخانه داشته باشیم؛ یعنی حدود ۱۵۰ هزار کتابخانه. ما به نصف آن هم قناعت می‌کنیم و حتی کمی پایین‌تر. بنابراین، اگر ۵۰ هزار کتابخانه داشته باشیم و فرض کنیم که هر کتابخانه‌ای حداقل یک جلد از هر کتاب یا حداقل یک جلد از کتاب‌های خوب را خریداری می‌کند، می‌بینیم که تیراژ کتاب، به بالای ۵۰ هزار می‌رسد؛ این یعنی یک تحول بسیار اساسی و بزرگ.

نیست که به سادگی بتوان از کنار آن گذشت. اگر ما این ۲۰ میلیون مخاطب را به گروه‌های سنی، الف، ب، ج، د، ه تقسیم کنیم، می‌بینیم که به طور متوسط در هر گروه سنی، چیزی حدود ۳ میلیون مخاطب داریم و اگر تیراژ حداکثر ۱۰ هزار را با این ۳ میلیون مخاطب مقایسه کنیم، می‌بینیم که برای هر ۳۰۰ نفر یک کتاب منتشر می‌شود. این مسئله هم به لحاظ فرهنگی، هراس‌آور است و هم از نظر اقتصادی. از جهت فرهنگی که جای بحث ندارد؛ چون وقتی از هر ۳۰۰ کودک یا نوجوان، یک نفرشان کتاب بخرند، دیگر تکلیف روشن است. اما از نظر اقتصادی، اگر فرض کنیم که یک نویسنده فعال بتواند در سال، یک کتاب خوب با تیراژ ۱۰ هزار منتشر کند، در آمد حاصل از این کتاب، در شرایط امروز و به طور متوسط ۳۰۰ هزار تومان می‌شود. حال اگر این تیراژ ۵ برابر شود، یعنی از هر ۶۰ کودک یک نفرشان کتاب بخرد، می‌بینیم که درآمد ناشر و نویسنده به رقم بسیار بالاتری می‌رسد. این رشد، یعنی ارتقای صنعت نشر و بالا رفتن کیفیت کتاب‌های منتشره.

۳. تنوع عناوین کتاب‌های منتشره، وقتی می‌تواند باعث رشد باشد و نشانه پویایی ادبیات کودک و نوجوان که تیراژ بالایی هم داشته باشد. اگر عناوین کتاب‌ها زیاد شود و تیراژ پایین باشد، باعث کاهش کیفیت می‌گردد. ما باید بپذیریم که دوره، دوره کار حرفه‌ای است. اگر نویسنده و تصویرگر و ناشر بخواهند حرفه‌ای باشند، باید از